

سرمقاله

از همبستگی تا تشتت و پراکندگی ملی

حفیظ الله زکی

یکی از ارکان مهم و اساسی نظام دموکراسی برخورد یکسان و برابر با همه شهروندان کشور است. اصل عدالت و برابری از اصول خدشه ناپذیر در نظام های مردم سالار به شمار می آید. عمده ترین اشکالی که از نظام های دیکتاتوری، استبدادی و توتالیتر می شود، این است که در این نظام ها شهروندان در برابر قوانین و نیز استفاده از فرصت ها و امکانات همسان پنداشته نمی شوند. شهروندان بر اساس رنگ، نژاد، مذهب، وابسته بودن به دربار و حتا جنسیت به چند دسته تقسیم می شوند و همین تقسیم بندی در جرات مختلفی را باز نمای می کند که شهروندان در آنها جا می گیرند.

شهروندان برخوردار همان شهروندان درجه اول است که از تمامی مزایا و امکانات ملی بهره مند می شوند و هیچ محدودیتی برای آنها در نظر گرفته نمی شود. شهروندان محروم، به کسانی گفته می شود که به هر دلیلی محضوب دستگاه حاکم قرار گرفته و از حقوق انسانی شان در جامعه باز داشته شده اند.

افغانستان قرن ها است که از همین مشکل رنج می برد. تفاوت انسانی و سایر قوانین توانست چشم انداز نویدبخشی را برای عدالت، برابری و همبستگی ملی بسته است. به همین دلیل مردم افغانستان هیچگاه نمی توانند به وحدت و یکپارچگی فکر کنند و برای توسعه و رشد متوازن کشور باهم تلاش نمایند.

برقراری نظام دموکراتیک بر مبنای اصل عدالت، تکثرگرایی و حقوق شهروندی، فضای امیدبخشی را برای شهروندان محروم کشور به وجود آورد. راه یابی هر چند سمبلیک برخی اقوام در ساختار قدرت و ایجاد فرصت های مساوی برای شهروندان در برخی عرصه ها روحیه همپندری را تقویت کرد و رشته های اعتماد میان اقوام و طیف های گوناگون اجتماعی را که در اثر مناسبات ناعادلانه از هم گسسته بود، دوباره ترمیم نمود.

فصلی جدید سیاسی گرچه نتوانست حقوق شهروندی را به گونه مطلوب پیاده سازد؛ اما صرف رسمیت یافتن آن در قانون اساسی و سایر قوانین توانست چشم انداز نویدبخشی را برای مردم افغانستان به تصویر بکشد. با آن هم مردم از حکومت انتظار داشتند که گامهای روشنی را در این عرصه بردارد و زمینه های سیاسی و اجتماعی را برای برخورد های برابر و عادلانه با همه شهروندان کشور فراهم آوردند. اما متأسفانه حکومت تنها در مورد تبعیض جنسیتی، آن هم در اثر کوشش ها و کمک های جامعه جهانی، گامهای هر چند کوچکی برداشت؛ ولی سایر موارد تبعیض و حق تلفی ها همچنان به قوت خود باقی ماند. بدون شک وجود یک یا چند نفر از اقوام و طیف های اجتماعی مختلف در ساختار قدرت، هرگز مشکل عمیق و دیرپای تبعیض های سیستماتیک در کشور را حل نخواهد کرد. مردم می خواهند همانظوری که حضور شهروندان در ساختار قدرت بر مبنای شایستگی، کارایی و تعهد افسرد صورت بگیرد و در فرایند گزینش و استخدام دیدگاههای محدود نگرانه و تنگ نظرانة دخالت نداشته باشد، در توزیع قدرت و امکانات و استفاده از فرصت های ملی نیز برخورد همسان صورت گیرد.

یکی از انتقادهای جدی که در سال های گذشته وجود داشت این بود که در مسایل بازسازی و نیز تخصیص بودجه های انکشافی اصل عدالت و توازن در نظر گرفته نمی شده است. میلیاردها دالر کمک های بین المللی متأسفانه در جاهایی هزینه شد که کمترین سودی برای کشور نداشته است. یکی از موارد این بی عدالتی و عدم توازن در برنامه همبستگی ملی بود که از سوی وزارت احیا و انکشاف دهات در قریه ها و روستاها عملی می شد. دیروز وزیر احیا و انکشاف دهات بر اساس آمار اعلام نموده که در برنامه همبستگی ملی اصل توازن رعایت نشده است. البته تبعیض و عدم توازن در اختصاص بودجه های انکشافی تنها در همین بخش ویا اداره محدود نمی شود؛ متأسفانه تمام ادارات از برخورد ها و سیاست های تبعیض آمیز و دوگانه رنج می برند و تا زمانی که تبعیض باشد، سخن گفتن از وحدت ملی فریبی بیش نخواهد بود. همانظوری که رییس جمهور بارها تأکید ورزیده است که هیچ افتائی از افغان دیگر برتر و یا کمترینست، امیدواریم که تمام مردم افغانستان شهروندان درجه اول این کشور به حساب بیایند.

نامه محرمانه؛ افغانستان به دنبال چیست؟

عبدالرحمن فهیمی

رییس جمهور غنی اخیرا اقدام به ارسال «نامه محرمانه» به پاکستان کرده است. محتوای این «نامه محرمانه» به رسانه های همگانی «دز» کرده و در همه شبکه های ارتباطی دست به دست گردید. آقای غنی خواست های مشخص را عنوانی کشور هم سایه مطرح می کند. گرچند این خواسته ها جدید نبوده و حکومت قبلی نیز به گونه های متفاوت آن ها را مطرح می کرد، اما در فاصله جدید از رابطه ای سیاسی دو دولت - کشور، در جای خود حایز اهمیت و ارزشمند است.

بازداشت و پی گرد قانونی رهبران طالبان که در «کوئته» و «پشاور» پاکستان بسر می برند، افزایش حمله های نظامی در برابر «شبرکه حقانی»، نابودی پناهگاه های طالبان، جلوگیری از درمان مجروحین طالبان در شفاخانه های پاکستان، موافقت به انتقال زندانیان به افغانستان و پیشگیری از دسترسی طالبان به وسایل الکترونیکی و مواد لازم جهت ساخت بمب های مورد استفاده گروه طالبان، از خواسته های اصلی و بنیادین رییس جمهور غنی است که در این نامه مطرح شده است.

پس از به قدرت رسیدن حکومت جدید تحت ریاست آقای غنی رابطه ای سیاسی و نظامی - امنیتی با پاکستان به گونه بی پیشینه ای بهبود یافت. دید و بازدیدهای سیاسی و همکاری ها افزایش یافت تا این که دو کشور تصمیم به امضای تفاهم نامه همکاری اطلاعاتی میان سازمان اطلاعات افغانستان و بخش اطلاعاتی ارتش پاکستان، اتخاذ کردند.

این وضعیت حکایت گر خرسندی و رضایت رییس جمهور از روند و تحولات سیاسی است. به این معناست که آقای غنی به وعده های داده شده مبنی بر همکاری جدی در فرایند گفت و گوی سیاسی و مبارزه با گروه های آشتی ناپذیر، دل خوش کرده و نسبت به نیت سیاسی طرف خوش بین است.

اما از محتوای نامه ارسال شده می توان نکته های را برداشت و استنباط نمود. پرسش این گونه مطرح می گردد که چه مسایل باعث شده است تا رییس جمهور اقدام به نگارش این نامه نماید؟ آقای نواز

شریف و نظامیان قدرتمندش که چند روز قبل به کابل آمده و مفضل دیدار و صحبت داشتند، پس چرا این خواسته ها در آن جا مطرح نشد؟

به نظر می رسد، نفس نگارش و ارسال «نامه محرمانه» حکایت گر این است که رییس جمهور غنی اندک از وضعیت موجود و وعده های گرم داده شده دل گیر شده است. ایشان، آن گاه که به تعهدات داده شده می نگرند، خرسند شده و به این جمع بندی می رسد که مسیر حرکت کشور به سمت مطلوب است، اما آن گاه که از ارگ ریاست جمهوری به نبردها و پیشروی های طالبان و واقعیات تلخ می نگرند، دل اش می گیرد و افسرده می شود.

به هر صورت، از محتوای نامه ارسال شده می شود دو نکته مهم را برداشت و فهم کرد: ۱. به بن بست رسیدن گفت و گوی سیاسی گفت و گوی سیاسی با گروه طالبان، هم چنان در صدر برنامه های آقای غنی بوده و خواهد بود. حتی دولت غنی با شدت و جدت بیشتر از گزی گفت و گوی سیاسی با طالبان را دنبال کرد که در آغازین روزهای هفته ها خوش بینی های گسترده را نیز در سطح لایه های اجتماعی و محافل سیاسی پدید آورد.

سیاست مداران و متفاوت تر از قبل، نظامیان پاکستان از همکاری جدی در این زمینه سخن زدند و حتی گپ و گفت های آغاز گفت و گوهای سیاسی در یکی از ماه ها مطرح گردید.

ولی اکنون که آقای غنی، پی گرد قانونی رهبران طالبان و نابودی پناهگاه های آن ها را مطرح می کند، این سخن حکایت گر این است که از پیشرفت مصالحه و گفت و گوی سیاسی نا امید شده و ظاهر روزنه دیده نمی شود. به عبارت دیگر، طرح این خواسته ها نشان می دهد که گفت و گوی سیاسی به بن بست رسیده و رییس جمهور ناگزیر رویکرد سربوک را اتخاذ کرده است. بنابراین، طوری که برداشت می شود، رهبری دولت کابل از به نتیجه رسیدن گفت و گوی سیاسی مایوس شده و اکنون خواستار عملی شدن وعده های پاکستان است.



پاکستان از مبارزه جدی در برابر تروریسم سخن زده و چندی قبل به گروه طالبان هشدار داده بود که در صورت متوقف نکردن حملات بهاری، با برخورد ارتش پاکستان مواجه خواهند شد.

گروه طالبان با این که در نشست های حاشر شده و با نمایندگان غیر رسمی دولت افغانستان گفت و گو می کنند، اما چپه های جنگ را گرم نگهداشته و حتی شدیدتر کرده اند و نیز حملات تجاری و انفجاری وسعت پیدا کرده است.

۲. اجرای یک جانبه تعهدات افغانستان به تعهدات اش جهت بهبود رابطه با پاکستان و همکاری در زمینه های متفاوت عمل کرده و از جانب مقابل هیچ گونه نماد های از همکاری و عمل کردن به تعهدات به چشم نمی آید.

دولت افغانستان نظامیان اش را جهت آموزش دهی به پاکستان اعزام کرد، با این که دولت قبلی به هیچ صورت حضور تروریست های ضد پاکستانی را در خاک افغانستان پذیرفتنی نمی دانست، به گونه تلویحی آن را پذیرفت و از مبارزه با آن ها سخن زد و عملی کرد، برخی عملیات های نظامی مشترک را با ارتش پاکستان در مناطق مرزی اجرا کرد و در میان موج از پاکستان هراسی، بر امضای تفاهم نامه اطلاعاتی با آن کشور مصر است.

از این رهگذر، خواسته های رییس جمهور غنی در نامه ارسال شده این پیام را می رساند که افغانستان نسبت به اجرای تعهدات از سوی متحد جدیدش مایوس شده است.

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

عکس خواسته های مطرح شده این گروه است که سران طالبان در کوئته و پشاور مود پی گرد قرار نگرفته و آزادانه فعالیت می کنند، شبکه حقانی که یکی از تهدیدهای کلان در برابر افغانستان است دست باز در فعالیت های اش دارد، پناهگاه های طالبان ممنون از تعرض است، از وارد کردن وسایل و مواد لازم جهت ساخت

رسانه های گروهی، روشنفکران و پیر بوردیو

زاک بوورس

منظور این سفسطه گرانی که معتقدند اگر تلویزیون انتقاد می کنیم، پس نباید دموستان را قبول کنیم، چیست؟ آیا انتقاد از عملکرد رسانه های گروهی باید در خلا انجام شود؟ آیا بدیل دیگر، به معنی قبول دعوت و رفتن به تلویزیون برای مدح و ستایش قدرت آن ها است؛ و در غیر این صورت، برای حفظ توانایی انتقادی اصلا نباید به آنجا با گذاشت؟ من، به نوبه خود، این استدلال را اشتباه می دانم؛ زیرا، امکان دیگری نیز وجود دارد و آن رفتن و انتقاد کردن است و از این راه اثبات مشروعیت انتقادات از طریق خود رسانه های گروهی است. اونسری، مثل همه متفکرانی که از طریق رسانه های گروهی به شهرت رسیده اند، دچار

منظور این سفسطه گرانی که معتقدند اگر تلویزیون انتقاد می کنیم، پس نباید دموستان را قبول کنیم، چیست؟ آیا انتقاد از عملکرد رسانه های گروهی باید در خلا انجام شود؟ آیا بدیل دیگر، به معنی قبول دعوت و رفتن به تلویزیون برای مدح و ستایش قدرت آن ها است؛ و در غیر این صورت، برای حفظ توانایی انتقادی اصلا نباید به آنجا با گذاشت؟ من، به نوبه خود، این استدلال را اشتباه می دانم؛ زیرا، امکان دیگری نیز وجود دارد و آن رفتن و انتقاد کردن است و از این راه اثبات مشروعیت انتقادات از طریق خود رسانه های گروهی است. اونسری، مثل همه متفکرانی که از طریق رسانه های گروهی به شهرت رسیده اند، دچار

منظور این سفسطه گرانی که معتقدند اگر تلویزیون انتقاد می کنیم، پس نباید دموستان را قبول کنیم، چیست؟ آیا انتقاد از عملکرد رسانه های گروهی باید در خلا انجام شود؟ آیا بدیل دیگر، به معنی قبول دعوت و رفتن به تلویزیون برای مدح و ستایش قدرت آن ها است؛ و در غیر این صورت، برای حفظ توانایی انتقادی اصلا نباید به آنجا با گذاشت؟ من، به نوبه خود، این استدلال را اشتباه می دانم؛ زیرا، امکان دیگری نیز وجود دارد و آن رفتن و انتقاد کردن است و از این راه اثبات مشروعیت انتقادات از طریق خود رسانه های گروهی است. اونسری، مثل همه متفکرانی که از طریق رسانه های گروهی به شهرت رسیده اند، دچار

منظور این سفسطه گرانی که معتقدند اگر تلویزیون انتقاد می کنیم، پس نباید دموستان را قبول کنیم، چیست؟ آیا انتقاد از عملکرد رسانه های گروهی باید در خلا انجام شود؟ آیا بدیل دیگر، به معنی قبول دعوت و رفتن به تلویزیون برای مدح و ستایش قدرت آن ها است؛ و در غیر این صورت، برای حفظ توانایی انتقادی اصلا نباید به آنجا با گذاشت؟ من، به نوبه خود، این استدلال را اشتباه می دانم؛ زیرا، امکان دیگری نیز وجود دارد و آن رفتن و انتقاد کردن است و از این راه اثبات مشروعیت انتقادات از طریق خود رسانه های گروهی است. اونسری، مثل همه متفکرانی که از طریق رسانه های گروهی به شهرت رسیده اند، دچار

منظور این سفسطه گرانی که معتقدند اگر تلویزیون انتقاد می کنیم، پس نباید دموستان را قبول کنیم، چیست؟ آیا انتقاد از عملکرد رسانه های گروهی باید در خلا انجام شود؟ آیا بدیل دیگر، به معنی قبول دعوت و رفتن به تلویزیون برای مدح و ستایش قدرت آن ها است؛ و در غیر این صورت، برای حفظ توانایی انتقادی اصلا نباید به آنجا با گذاشت؟ من، به نوبه خود، این استدلال را اشتباه می دانم؛ زیرا، امکان دیگری نیز وجود دارد و آن رفتن و انتقاد کردن است و از این راه اثبات مشروعیت انتقادات از طریق خود رسانه های گروهی است. اونسری، مثل همه متفکرانی که از طریق رسانه های گروهی به شهرت رسیده اند، دچار

منظور این سفسطه گرانی که معتقدند اگر تلویزیون انتقاد می کنیم، پس نباید دموستان را قبول کنیم، چیست؟ آیا انتقاد از عملکرد رسانه های گروهی باید در خلا انجام شود؟ آیا بدیل دیگر، به معنی قبول دعوت و رفتن به تلویزیون برای مدح و ستایش قدرت آن ها است؛ و در غیر این صورت، برای حفظ توانایی انتقادی اصلا نباید به آنجا با گذاشت؟ من، به نوبه خود، این استدلال را اشتباه می دانم؛ زیرا، امکان دیگری نیز وجود دارد و آن رفتن و انتقاد کردن است و از این راه اثبات مشروعیت انتقادات از طریق خود رسانه های گروهی است. اونسری، مثل همه متفکرانی که از طریق رسانه های گروهی به شهرت رسیده اند، دچار

منظور این سفسطه گرانی که معتقدند اگر تلویزیون انتقاد می کنیم، پس نباید دموستان را قبول کنیم، چیست؟ آیا انتقاد از عملکرد رسانه های گروهی باید در خلا انجام شود؟ آیا بدیل دیگر، به معنی قبول دعوت و رفتن به تلویزیون برای مدح و ستایش قدرت آن ها است؛ و در غیر این صورت، برای حفظ توانایی انتقادی اصلا نباید به آنجا با گذاشت؟ من، به نوبه خود، این استدلال را اشتباه می دانم؛ زیرا، امکان دیگری نیز وجود دارد و آن رفتن و انتقاد کردن است و از این راه اثبات مشروعیت انتقادات از طریق خود رسانه های گروهی است. اونسری، مثل همه متفکرانی که از طریق رسانه های گروهی به شهرت رسیده اند، دچار

منظور این سفسطه گرانی که معتقدند اگر تلویزیون انتقاد می کنیم، پس نباید دموستان را قبول کنیم، چیست؟ آیا انتقاد از عملکرد رسانه های گروهی باید در خلا انجام شود؟ آیا بدیل دیگر، به معنی قبول دعوت و رفتن به تلویزیون برای مدح و ستایش قدرت آن ها است؛ و در غیر این صورت، برای حفظ توانایی انتقادی اصلا نباید به آنجا با گذاشت؟ من، به نوبه خود، این استدلال را اشتباه می دانم؛ زیرا، امکان دیگری نیز وجود دارد و آن رفتن و انتقاد کردن است و از این راه اثبات مشروعیت انتقادات از طریق خود رسانه های گروهی است. اونسری، مثل همه متفکرانی که از طریق رسانه های گروهی به شهرت رسیده اند، دچار

منظور این سفسطه گرانی که معتقدند اگر تلویزیون انتقاد می کنیم، پس نباید دموستان را قبول کنیم، چیست؟ آیا انتقاد از عملکرد رسانه های گروهی باید در خلا انجام شود؟ آیا بدیل دیگر، به معنی قبول دعوت و رفتن به تلویزیون برای مدح و ستایش قدرت آن ها است؛ و در غیر این صورت، برای حفظ توانایی انتقادی اصلا نباید به آنجا با گذاشت؟ من، به نوبه خود، این استدلال را اشتباه می دانم؛ زیرا، امکان دیگری نیز وجود دارد و آن رفتن و انتقاد کردن است و از این راه اثبات مشروعیت انتقادات از طریق خود رسانه های گروهی است. اونسری، مثل همه متفکرانی که از طریق رسانه های گروهی به شهرت رسیده اند، دچار

منظور این سفسطه گرانی که معتقدند اگر تلویزیون انتقاد می کنیم، پس نباید دموستان را قبول کنیم، چیست؟ آیا انتقاد از عملکرد رسانه های گروهی باید در خلا انجام شود؟ آیا بدیل دیگر، به معنی قبول دعوت و رفتن به تلویزیون برای مدح و ستایش قدرت آن ها است؛ و در غیر این صورت، برای حفظ توانایی انتقادی اصلا نباید به آنجا با گذاشت؟ من، به نوبه خود، این استدلال را اشتباه می دانم؛ زیرا، امکان دیگری نیز وجود دارد و آن رفتن و انتقاد کردن است و از این راه اثبات مشروعیت انتقادات از طریق خود رسانه های گروهی است. اونسری، مثل همه متفکرانی که از طریق رسانه های گروهی به شهرت رسیده اند، دچار

منظور این سفسطه گرانی که معتقدند اگر تلویزیون انتقاد می کنیم، پس نباید دموستان را قبول کنیم، چیست؟ آیا انتقاد از عملکرد رسانه های گروهی باید در خلا انجام شود؟ آیا بدیل دیگر، به معنی قبول دعوت و رفتن به تلویزیون برای مدح و ستایش قدرت آن ها است؛ و در غیر این صورت، برای حفظ توانایی انتقادی اصلا نباید به آنجا با گذاشت؟ من، به نوبه خود، این استدلال را اشتباه می دانم؛ زیرا، امکان دیگری نیز وجود دارد و آن رفتن و انتقاد کردن است و از این راه اثبات مشروعیت انتقادات از طریق خود رسانه های گروهی است. اونسری، مثل همه متفکرانی که از طریق رسانه های گروهی به شهرت رسیده اند، دچار

منظور این سفسطه گرانی که معتقدند اگر تلویزیون انتقاد می کنیم، پس نباید دموستان را قبول کنیم، چیست؟ آیا انتقاد از عملکرد رسانه های گروهی باید در خلا انجام شود؟ آیا بدیل دیگر، به معنی قبول دعوت و رفتن به تلویزیون برای مدح و ستایش قدرت آن ها است؛ و در غیر این صورت، برای حفظ توانایی انتقادی اصلا نباید به آنجا با گذاشت؟ من، به نوبه خود، این استدلال را اشتباه می دانم؛ زیرا، امکان دیگری نیز وجود دارد و آن رفتن و انتقاد کردن است و از این راه اثبات مشروعیت انتقادات از طریق خود رسانه های گروهی است. اونسری، مثل همه متفکرانی که از طریق رسانه های گروهی به شهرت رسیده اند، دچار

منظور این سفسطه گرانی که معتقدند اگر تلویزیون انتقاد می کنیم، پس نباید دموستان را قبول کنیم، چیست؟ آیا انتقاد از عملکرد رسانه های گروهی باید در خلا انجام شود؟ آیا بدیل دیگر، به معنی قبول دعوت و رفتن به تلویزیون برای مدح و ستایش قدرت آن ها است؛ و در غیر این صورت، برای حفظ توانایی انتقادی اصلا نباید به آنجا با گذاشت؟ من، به نوبه خود، این استدلال را اشتباه می دانم؛ زیرا، امکان دیگری نیز وجود دارد و آن رفتن و انتقاد کردن است و از این راه اثبات مشروعیت انتقادات از طریق خود رسانه های گروهی است. اونسری، مثل همه متفکرانی که از طریق رسانه های گروهی به شهرت رسیده اند، دچار

منظور این سفسطه گرانی که معتقدند اگر تلویزیون انتقاد می کنیم، پس نباید دموستان را قبول کنیم، چیست؟ آیا انتقاد از عملکرد رسانه های گروهی باید در خلا انجام شود؟ آیا بدیل دیگر، به معنی قبول دعوت و رفتن به تلویزیون برای مدح و ستایش قدرت آن ها است؛ و در غیر این صورت، برای حفظ توانایی انتقادی اصلا نباید به آنجا با گذاشت؟ من، به نوبه خود، این استدلال را اشتباه می دانم؛ زیرا، امکان دیگری نیز وجود دارد و آن رفتن و انتقاد کردن است و از این راه اثبات مشروعیت انتقادات از طریق خود رسانه های گروهی است. اونسری، مثل همه متفکرانی که از طریق رسانه های گروهی به شهرت رسیده اند، دچار



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan. دیرباز: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی. مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی. آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه چشم، خانه نمبر ۷-۱۳۷. صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا. مدیر مسوول: محمد رضا هویدا. سردبیر: حفیظ الله زکی. کاریکاتورست: خالق علی زاده.